فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۷، صفحات ۸۸-۶۱

نقش نخبگان مهاجر در توسعه‌ی روستایی؛ مطالعه‌ی روستاهای شهرستان شبستر

ولی اله رستمعلی زاده[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲٤

چکیده

مهاجـرین نخبه و پیـش‌گام با ارائه‌ی اطلاعات مهـاجرتی، مسیـردهی فعالیـت مهاجـران بعـدی، مشخص‌کردن حوزه‌ی فعالیتی آن‌ها و هم‌چنین کمک به تشکل یافتگی مهاجران، نقش مهمی را در تسهیل فرآیند مهاجرت، شکل‌گیری حوزه‌ی فعالیتی و کسب و کار مهاجران و هم‌چنین شکل‌گیری سازمان‌های مهاجرین دارند. در پاره‌ای موارد منابع مالی این مهاجرین و سازمان‌های آنها به روستاهای زادگاهی آن‌ها بازگشته و منجر به توسعه‌ی روستایی هم شده است. این تحقیق به دنبال آن است که نخبگان مهاجر با چه راهبردها و پیامدهایی در توسعه‌ی روستایی نقش دارند. این تحقیق به شیوه‌ی کیفی و با رویکرد نظریه‌ی بنیانی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که نخبگان مهاجر با راهبردهایی چون شکل‌دهی نهادهای توسعه‌ای و حمایتی، شکل‌دهی شبکه‌های کسب و کار جمعی، حمایت متقابل، مشارکت مردمی و با پیامدهایی چون سرمایه‌گذاری در زادگاه، اقدامات توسعه‌ای و عمرانی و علاقه به بهبود وضعیت اشتغال و ماندگاری جوانان، در توسعه‌ی روستاهای مورد مطالعه تأثیر داشته‌اند. هم‌چنین این تحقیق نشان داد که برای شکل‌گیری نخبگان و کارآفرینان مهاجر، وجود روحیه‌ی پیشرفت‌خواهی و نیاز به موفقیت، الگوگیری از پیشروان اولیه‌ی مهاجر، تعلق به زادگاه، پیگیری کسب و کارهای قومی، دیدگاه مثبت به روستا، اقدامات پیشروان اولیه مهاجر و مواردی از این دست مهم بوده است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، نخبگان مهاجر، نخبگان روستایی، توسعه‌ی روستایی.

[۱] استادیار جامعه‌شناسی توسعه، مؤسسه‌ی مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مسایل عمده در جامعه‌ی روستایی ایران مهاجرت گسترده است. این مسأله ریشه در علت‌های مختلف و چندگانه دارد. این علت‌های چندگانه شامل مواردی چون احساس محرومیت نسبی در میان روستاییان، ضعف و کمبود امکانات و تسهیلات(امینی و برومند،۱۳۹٤:۱۵۰)، کمبود امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و فرهنگی، کمبود وسایل حمل و نقل، عدم حاصل‌خیزی زمین‌های کشاورزی، تصویرسازی منفی از روستا و مثبت از شهر(رستمعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳۰-۵۲۷)، ایجاد فاصله‌ی روزافزون میان شهر و روستا، تفاوت سطوح درآمدی بین شهر و روستا(اصلانی،۱۳۸۵:٤۵)، فقدان زیرساخت‌های اشتغال، نبود شغل مناسب، کمبود اشتغال و وجود بیکاری در روستاها، هستند(شایان و کهنه‌پوشی،۱۳۹۲:۱۳٦؛ امینی و برومند،۱۳۹٤:۱۳۷؛ رستمعلی‌زاده و همکاران،۱۳۹۲:۵۰۵).

مهاجرت بی‌رویه پیامدهای مختلف و چندگانه‌ای هم برای جامعه‌ی روستایی دارد. این پیامدها در طیفی از پیامدهای منفی تا مثبت در نوسان هستند. مهاجرت گسترده باعث کاهش جمعیت، تغییر ترکیب جمعیت، کاهش رشد جمعیت(زنجانی،۱۳۸۰:۱۸۸) و در نتیجه کاهش نیروی کار روستایی می‌شود. هم‌چنین موجب تخلیه‌ی روستاها از سرمایه‌های اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی است که در زمره‌ی پیامدهای منفی قرار دارند. اما از جانب دیگر این مهاجرت‌ها باعث می‌شوند استعدادهای روستایی در جهانی بزرگ‌تر بتوانند شکوفا شده و در پاره‌ای موارد، مواهب این شکوفایی به روستاهای مبدأ نیز برگردد. جریان‌های وجوه ارسالی مالی، دانش و افکار و اندیشه‌های سیاسی(فایست[1]،۲۰۰۸:۲۱) مهاجران به‌خصوص مهاجران نخبه و سازمان‌های آن‌ها، می‌توانند در این بعد مثبت قرار گیرند.

مهاجرین نخبه و پیش‌گام همواره با ارائه‌ی اطلاعات مهاجرتی، مسیردهی فعالیت مهاجران بعدی، مشخص‌کردن حوزه‌ی فعالیتی آن‌ها و هم‌چنین کمک به تشکل‌یافتگی مهاجران، نقش مهمی را در تسهیل فرآیند مهاجرت، شکل‌گیری حوزه‌ی فعالیتی و کسب و کار مهاجران و هم‌چنین شکل‌گیری سازمان‌های مهاجرین دارند. بدین طریق است که برخی از مهاجرت‌های روستا- شهری به‌خصوص در کشورها و مناطق با سنت‌های قوی خویشاوندی، طایفه‌ای، اجتماع محلی و

[1] Faist

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌قومی منجر به ایجاد کسب و کارهای قومیتی/ هم‌ولایتی شده و در درون این فرآیند، نخبگان کارآفرین و کسب و کار ظهور می‌یابد. در پاره‌ای موارد، منابع مالی این افراد به روستاهای زادگاهی آن‌ها بازگشته و منجر به توسعه‌ی روستایی هم شده است. «مهاجران این اجتماعات با تشکیل شبکه‌ی روابط و شبکه‌های اجتماعی پایا، انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های مبتنی بر اجتماع و غیره، هم در راه کمک متقابل به همدیگر برای پیشرفت اقتصادی، پیدا کردن کسب وکار، مسکن و غیره مؤثرند و هم با فرستادن وجوه ارسالی[1] و سرمایه‌گذاری در زادگاه، سهم مهمی در توسعه‌ی اجتماعات بومی پیدا می‌کنند»(ازکیا، فیروزآبادی و رستمعلی زاده،۱۳۸۷:۱٤۹). بنابراین یک فرآیندی وجود دارد که در یک سمت نخبگان و پیش‌آهنگان مهاجر اجتماعات، به شکل‌دهی شبکه‌های کسب و کار، شبکه‌های اجتماعی و غیره می‌پردازند؛ در سمت دیگر به‌واسطه‌ی امکان‌های این شبکه‌ها و به طریق اولی امکان‌های موجود در شهرهای بزرگ، افرادی از مهاجرین به تدریج با پیشرفت در کار خود به نخبگان مهاجر تبدیل می‌شوند. در نهایت اقدامات این‌ها به سمت توسعه‌ی زادگاه سوق پیدا می‌کند.

منظور از نخبگان [روستایی] نیز در این تحقیق، افراد دارای استعداد علمی، اقتصادی یا سیاسی هستند که بنا به دلایل محیط اجتماعی از جمله کمبود امکانات و تسهیلات(توکل و عرفان منش، ۱۳۹٤:۸۳)، کمبود امکان‌های شغل و درآمد یا جست‌وجوی امکان‌های شغلی و درآمدی بیش‌تر و بالاتر، جست‌وجوی ایده‌های جدید، دست‌یابی به رفاه بیش‌تر و مواردی از این قبیل دست به مهاجرت می‌زنند و در آن‌جا استعداد خود را در حوزه‌ی عمل خود شکوفا می‌کنند. یا افرادی از مهاجرین هستند که با توجه به استعدادها و قابلیت‌هایی که دارند و پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی شغل، کسب و کار و تخصص خود پیدا کرده‌اند یا اقداماتی که انجام داده‌اند، توانسته‌اند به عنوان نخبه در حوزه‌ی فعالیت خود معرفی شوند و دارای موقعیت‌های برتری به نسبت هم‌ولایتی‌ها/ هم‌شهری‌های خود باشند و کم کم نقش رهبری را در اجتماع محلی مهاجرین خود پیدا کنند.

بنابراین این تحقیق به دنبال این است که نخبگان مهاجر در سطح ملی چگونه در توسعه‌ی اقتصاد محلی سهیم هستند. چه عوامل و زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری نخبگان مهاجر و محلی بوده و راهبردهای این مهاجران برای توسعه‌ی روستایی چیست و چه اثراتی در توسعه‌ی روستایی دارند؟

[1] remittances

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پیشینه‌ی پژوهش

در این حوزه تحقیقات مختلفی در خصوص نقش مهاجران و انجمن‌های آن‌ها در توسعه‌ی روستاهای مبدأ صورت گرفته است.

پاول و گامیج[1](۲۰۰٤) نشان دادند که انجمن‌های زادگاهی السالوادری در واشنگتن(آمریکا)، به‌عنوان شبکه‌های غیر رسمی برای ایجاد اشتغال و مسکن، به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد مدارس و برنامه‌های مراقبت از کودکان و ایجاد اجتماعی توسعه‌یافته در میان شهرک‌های پراکنده در حومه‌ی شهر مورد استفاده قرار می‌گیرند. گوارینزو[2](۲۰۰۳) نشان می‌دهد که وجوه ارسالی جمعی نه‌تنها در پروژه‌های ساخت جاده‌ها، بهبود سامانه‌های تأمین آب و مدارس و ساختن مراکز اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه رفاه محلی را نیز بهبود داده و پتانسیل اقتصادی جوامع ذی‌نفع را تقویت می‌کند. (کارزو و کرتینا[3](۲۰۰۵) نشان می‌دهند که انجمن‌های زادگاهی السالوادری بر مجموعه‌ای از پروژه‌هایی که اغلب شامل فعالیت‌های انجام‌شده در هر دو کشور(آمریکا و السالوادور) است کار می‌کنند. انجمن‌های زادگاهی سازمان‌های کوچک مقیاسی هستند و آن‌ها پروژه‌هایی که برای ضروری‌ترین نیازهای اجتماعات زادگاه‌شان است، انتخاب می‌کنند. این انجمن‌ها در انجام پروژه‌های زیربنایی و خیریه‌ای نیز فعال هستند؛ هم‌چنین با سازمان‌های متعددی شراکت ایجاد کرده‌اند. این گروه‌ها عبارتند از: حکومت ملی(اغلب در قالب آژانس توسعه‌ی ملی و صندوق توسعه‌ی محلی و سرمایه‌گذاری اجتماعی)، شهرداری‌ها، کلیساها، سایر سازمان‌های غیر انتفاعی و مؤسسات کسب و کار. کاگرس و ساکا[4](۲۰۰٦) نشان دادند که وجوه ارسالی علت حدود ۲۰ درصد از سرمایه‌ی سرمایه‌گذاری شده در مؤسسات کوچک شهرهای مکزیک است و تأثیر قدرت‌مندی بر کسب و کارهای متعلق به زنان داشته است(گوپتا[5] و همکاران،۲۰۰۹:۱۰۹). مسی و پارادو[6](۱۹۹۸) شکل‌گیری مؤسسات اقتصادی را در ۳۰ نمونه از اجتماعات غرب مرکزی مکزیک بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که درآمد حاصل از کار در ایالات متحده یک منبع مهم ایجاد سرمایه، در تشکیل ۲۱ درصد از کسب و کارهای جدید

[1] Paul and Gammage
[2] Guarnizo
[3] Garzo and Cortina
[4] Cáceres and Saca
[5] Gupta
[6] Massey and Parrado

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فراهم کرده است (آمودو- دورانتس و مازولاری[1]،۳۲۵:۲۰۱۰). آن‌چه که از تحقیقات حاضر برداشت می‌شود، نقش توسعه‌ای مهاجران و انجمن‌های آن‌ها در مبدأ است؛ اما این تحقیق بر نقطه‌ی مغفول این تحقیقات یعنی نخبگان یا پیش‌گامان مهاجران و نقش آن‌ها در تشکل‌شدگی و مسیردهی توسعه‌ی مبدأ توجه دارد.

چارچوب نظری پژوهش

تعریف و مفهوم نخبه/ نخبگان

بر اساس آن‌چه آلن بیرو[2] در فرهنگ علوم اجتماعی می‌گوید، نخبه(سرآمد) به هر آن‌چه بهتر از دیگران و شایسته گزینش باشد اطلاق می‌شود. آن‌ها فرهیخته‌ترین و توانمندترین افراد در اداره‌ی مؤثر جامعه و خدمت می‌باشند(بیرو،۱۱۵:۱۳۷۵). در نظر پارتو[3] برگزیدان مشتمل بر تمام کسانی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصربه‌فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت‌های عالی در زمینه‌ی کار خود و یا در بعضی فعالیت‌ها باشند؛ یعنی با توجه به نقشی که در جامعه برعهده دارند و کاری که انجام می‌دهند و استعدادهای طبیعی خود، موقعیت‌های برتری نسبت به متوسط افراد جامعه دارند(روشه،۱۱٦:۱۳۸۱). «به عقیده‌ی گیدنز[4] واژه‌ی نخبه برای کسانی به کار برده می‌شود که در یک دسته‌بندی از فعالیت‌های اجتماعی نقش رهبری را بر عهده دارند: برای هنرمندان و ورزش‌کاران و نیز رهبران اقتصادی و سیاسی»(جلالی و صدیق سروستانی،۱۳۹۰: ۱۳۷). به‌طور کلی «نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه‌ی قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند، یا به وسیله‌ی تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و ایده‌ها، احساسات و یا هیجان‌هایی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه‌ای مؤثر واقع می‌شوند»(روشه،۱۲۱:۱۳۸۱).

[1] Amuedo-Dorantes and Mazzolari
[2] Alain Birot
[3] Pareto
[4] Giddens

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

انواع نخبگان

مهم‌ترین ویژگی نخبگان تاثیرگذاری آنان در کنش تاریخی جامعه است؛ این تاثیرگذاری از طریق اقتدار یا نفوذ انجام می‌شود. گی روشه[1] با تأکید بر این که تعریف نخبگان بر اساس دو ملاک اقتدار و نفوذ تفسیر می‌شود، طبقه‌بندی شش‌گانه‌ی زیر را از نخبگان ارائه می‌دهد(روشه، ۱۳۸۱:۱۲۵-۱۲۱):

نخبگان سنتی و مذهبی

نخبگان سنتی از حاکمیت و یا نفوذی برخوردارند که ناشی از ساخت‌های اجتماعی، ایده‌ها و اعتقاداتی است که ریشه در گذشته‌ی دور دارند و مبتنی بر راه و رسم سنتی طولانی‌اند.

نخبگان تکنوکراتیک

نخبگان تکنوکراتیک منتسب به ساختار رسمی یا اداری هستند. اقتدار آن‌ها بر اساس دوگانه‌ای استوار شده است: اول آن‌که این نخبگان بر اساس قوانین وضع‌شده، شناخته‌شده و رایج انتخاب شده‌اند؛ دوم آن‌که، این انتخـاب به دلیل دارابـودن بعضی صلاحیت‌ها و قابلیت‌های مبتنی بر ملاک‌های مشخص صورت گرفته است.

نخبگان مالکیت

نخبگان مالکیت به دلیل ثروت و اموالی که دارند از نوعی «اقتدار» یا «قدرت» برخوردار هستند. این اموال و این ثروت باعث تسلط آن‌ها بر نیروی کاری می‌گردد که به خدمت گرفته‌اند؛ ولی از طرف دیگر این توانایی مالی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که بتوانند بر سایر نخبگان سنتی و یا تکنوکراتیک فشارهایی وارد سازند و در نتیجه برای خود قدرت اجتماعی کسب نمایند. نخبگان مالکیت یا نخبگان اقتصادی از قبیل مالکین بزرگ اراضی و یا مالکین بزرگ صنعتی و یا مالی افرادی هستند که تصمیمات‌شان می‌تواند بر زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه اثر بگذارد و در نتیجه باعث ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی گردد و یا برعکس از انجام این تغییرات جلوگیری نماید.

[1] Guy Rocher

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نخبگان خارق‌العاده(کاریزمایی)

نخبگانی را که ما بر اساس اصطلاح وبر[1] "کاریزمایی" می‌نامیم، نخبگانی هستند که معجزات و یا خصوصیاتی خارق‌العاده به آنان نسبت می‌دهند.

نخبگان ایدئولوژیکی

این نخبگان اشخاص یا گروه‌هایی هستند که در اطراف ایدئولوژی معینی تشکیل شده یا در به وجود آوردن ایـدئولوژی خاصی سهیـم‌اند. هم‌چنین می‌توانیم اشخاص یا گروه‌هایی را در این رده‌بندی قرار دهیم که ایدئولوژی مشخصی را اشاعه می‌دهند یا سخن‌گو و معرف آنند.

نخبگان سمبولیک

اغلب نخبگان دارای خصوصیتی سمبلیک هستند و درحقیقت افرادی که منتسب به این گروه‌های نخبه هستند، در نظر کسانی که از آن‌ها پیروی می‌کنند و یا با آن‌ها به مخالفت بر می‌خیزند، از ارزش سمبلیک برخوردار می‌شوند.

باتمور[2] نیز به نقل از دانلوپ، هاربیسون و مایرز[3] بر اساس نقش نخبگان در تغییر یا توسعه از پنج گروه نخبه یاد می‌کند که عهده‌دار صنعتی‌شدن در کشورهای در حال توسعه هستند:

۱. گروه نخبه‌ی خاندانی: این گروه معمولاً برخاسته از اشراف‌سالاری‌های زمین‌دار یا تجارت‌پیشه هستند.

۲. حکام استعمارگر: این گروه با ایجاد یک دستگاه اجرایی و قوه‌ی قضاییه‌ی مؤثر، برقرارسازی تعلیم و تربیت جدید، تجارت و صنایع جدید، بخشی از شرایط زمینه‌ساز توسعه‌ی صنعتی را فراهم نموده‌اند.

۳. طبقه‌ی متوسط: این طبقه به‌واسطه‌ی کسب مهارت‌های جدید و پایبندی به الگو و شیوه‌های نوین زندگی بر فرآیند تغیر و توسعه‌ی جوامع تأثیر می‌گذارد.

٤. روشن‌فکران انقلابی: این گروه اغلب در قالب نخبگان سیاسی ظهور کرده‌اند.

۵. رهبران ملی‌گرا: این گروه یکی از مهم‌ترین گروه‌های نخبه در کشورهای آسیایی و آفریقایی هستند که از طریق مبارزه برای کسب استقلال سیاسی، نیروی محرکه توسعه‌ی در کشورها بوده‌اند(غفاری و ابراهیمی لویه،۱۳۸۹:۱۹۹–۱۹۸).

[1] Weber
[2] Bottomore
[3] Dunlop, Harbison and Mayers

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نقش نخبگان در توسعه

مهم‌ترین ویژگی نخبه که در تمام رویکردها از کلاسیک تا معاصر مشترک است، قدرت تاثیرگذاری نخبه است(یزدانی نسب،۱۳۹٤:۹۸). مانهایم[1] از ضرورت کارکردی وجود نخبگان در جامعه صحبت می‌کند. هر یک از نخبگان وظیفه و کارکرد خاص خود را داشته و بهبود جامعه در گرو افزایش آنان است(یزدانی نسب،۱۳۹٤:۹۷). باتمور نقش نخبگان را در تغییرات اجتماعی کشورهای در حال توسعه در قالب نقشی که آن‌ها در فرآیند صنعتی‌شدن این کشورها ایفا می‌نمایند مورد بررسی قرار می‌دهد. او با مقایسه‌ی فرآیندهای صنعتی‌شدن در کشورهای غربی با کشورهای در حال توسعه عنوان می‌کند، صنعتی‌شدن در کشورهای غربی در اغلب موارد همراه با سازمان اقتصادی، ثبات سیاسی و آمادگی روانی مردم بوده است که در طی جریانی طولانی‌تر و با شتاب‌زدگی کم‌تری انجام گرفت. کشورهای توسعه‌نیافته‌ی فعلی، هم باید با مشکلات اقتصادی ناشی از رقابت کشورهای صنعتی پیشرفته در زمینه‌ی تجارت و سرمایه‌گذاری و هم باید با بی‌ثباتی سیاسی، تضـادهای عمومی برای سطـح بالاتری از درآمـد و رفاه و مخالفت قدرت‌مند ناشی از شیـوه‌ی سنتی زندگی مقابله کنند. در چنین شرایطی قدرت نخبگان و رهبرانی که قدرت اقدام مؤثر، کنترل و هدایت وقایع را داشته باشند به شدت افزایش می‌یابد(باتمور،۱۳٦۹:۱۰۵).

بنابراین تأثیرگذاری مثبت و کارکرد آن‌ها در جهت تغییرات مثبت، می‌تواند راه را برای اثرگذاری آن‌ها در توسعه باز کند. اما این که این نخبگان چگونه می‌توانند این تأثیر مثبت را انجام دهند، سؤالی در خور اهمیت است. روشه راه‌های مختلفی را که بر اساس آن نخبگان می‌توانند در کنش تاریخی مؤثر واقع شوند، مشخص می‌نماید. در این مورد می‌توان به کنش‌های زیر اشاره کرد:

تصمیم‌گیری: برخی از نخبگان به دلیل داشتن نقشی در مجموعه‌ی تصمیم‌گیری‌های درون جامعه، در کنش تاریخی آن مشارکت دارند و به همین دلیل اثر آن‌ها مستقیماً ظاهر می‌شود؛ همین جنبه است که به‌ویژه در تحلیل نخبگان قدرت، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع می‌توان تغییر اجتماعی یا مقاومت در مقابل تغییر را به عنوان نتیجه‌ی مجموع تصمیمات اتخاذ شده توسط بازیگران اجتماعی فوق‌العاده قدرتمندی در نظر گرفت که پست‌های مهم و استراتژیک را

[1] Mannheim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اشغال می‌کنند و این خود به هر حال جنبه‌ی بسیار بااهمیت یا اساسی از کنش تاریخی است(روشه، ۱۳۸۱:۱۲۷-۱۲۶).

در طول عمر نهادها و جوامع، غالباً تصمیمات عمده به‌وسیله‌ی معدودی از افراد که دارای کنش تاریخی کم و بیش طولانی هستند، اتخاذ می‌شود(روشه،۱۳۸۱:۱۲۶). بنابراین چنین بر می‌آید که تصمیم‌سازی نخبگان در مسیر تغییر یک تأثیر مستقیم است و در این جا عمل نیز صورت می‌گیرد.

الگوسازی: نخبگان نفوذ خود را از طریق الگوسازی نیز اعمال می‌کنند. با توجه به این که آن‌ها سمبل‌های زنده‌ای از طرز تفکر، وجود و عمل هستند، نسبت به برخی دسته‌ها، گروه‌ها و یا بر کل افراد جامعه، قدرت جاذبه‌ای دارند و بنابراین مورد تقلید قرار گرفته و به عبارت دقیق‌تر، دیگران سعی در همانندسازی خود با آن‌ها می‌کنند؛ ولی این همانندسازی نسبت به نخبگان ممکن است دارای ریشه‌های متفاوتی بوده و ناشی از انگیزه‌های مختلفی باشد؛ جاه‌طلبی شخصی را شاید بتوان یکی از انگیزه‌های مهم در همانندسازی با برخی نخبگان محسوب کرد(روشه،۱۳۸۱:۱۲۸-۱۲۷).

الگو قرار گرفتن نخبگان مبتنی بر ارزش‌هایی است که نخبگان پیشنهاد نموده و یا آن‌ها را به صورت نهادی در می‌آورند. این الگوسازی می‌تواند بر اساس ارزش‌هایی که قبلاً در جامعه ارائه یا منتشر شده قرار گیرد و یا برعکس بر اساس ارزش‌های نو و یا در حال ایجاد شدن واقع شود.

رهبری: اما بخش دیگر، رهبری این نخبگان است که می‌تواند در توسعه مؤثر باشد. در واقع رهبری عبارت است از فن نفوذ در مردم به منظور جلب همکاری همگان یا عده‌ای از آنان، در جهت نیل به آرمان‌های مشترک و یا هدف‌هایی که برای آن مردم و یا آن گروه خاص مطلوبیت دارد. بنابراین اعمال نفوذ بر افکار و اندیشه‌ها و احساسات و کردار و رفتار افراد در جهت اهداف مشخص از کارهای رهبری است(شهبازی،۱۳۸٤:۲۲۳). ترنت[1] منشأ ظهور رفتار رهبری و محرک‌های فرد برای قبول مسئولیت‌های اجتماعی را در این موارد می‌داند: نیاز به بقاء نسل بشر، نیاز به جلب محبت و علاقه‌ی دیگران، نیاز به شناخته شدن و کسب شهرت، نیاز به تحسین، نیاز به کسب قدرت، نیاز به کسب اعتبار مالی یا ثروت و در نهایت نیاز به بقاء و دوام شهرت محلی، ملی و یا بین‌المللی(شهبازی،۱۳۸٤ :۲٤۳-۲۳۷).

[1] Trent

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شهبازی(۱۳۸٤) رهبران محلی را در مناطق روستایی به دو دسته تقسیم می‌کند: رهبری عمومی یا اجتماعی و رهبری تخصصی و فنی. رهبران اجتماعی که از آن‌ها به عنوان متنفذین اجتماعی یاد می‌شود، نمایندگان غیررسمی قدرت جمعی جامعه‌ی روستایی هستند. شهرت و خوش‌نامی آنان ممکن است به علت موقعیت خاص اجتماعی، قدرت‌مندی، عدل و انصاف در دادوستدهای اقتصادی و اجتماعی و یا سوابق درخشان در فعالیت‌های اجتماعی باشد. این افراد به‌خصوص در جریان معرفی و اعمال هر نوع تغییر و تحول در جامعه روستایی دارای کلیدی دارند(شهبازی، ۲٤٤-۲٤٥:۱۳۸٤). رهبران فنی یا تکنوکرات‌های روستایی، رهبران آموزش و پرورش‌یافته روستا در زمینه‌ی فعالیت‌ها و مهارت‌های رایج در جامعه‌ی تولیدی هستند. اینان کسانی هستند که به علت تجربه و مهارت‌های فنی، هر یک در یک رشته به‌خصوص به عنوان ماهران آن جامعه شهرت دارند(شهبازی،۲٤۸:۱۳۸٤).

این موارد نشان می‌دهد که نخبگان از طریق رهبری، تصمیم‌گیری، کنش عملی و الگوسازی نقش مهمی می‌توانند در توسعه داشته باشند.

در جامعه‌ی روستایی نیز نخبگان زیادی در زمره‌ی نخبگان سنتی، نخبگان فنی، نخبگان تکنوکراتیک، نخبگان مالکیت و غیره قرار دارند که برخی از آن‌ها در جامعه‌ی روستایی ساکن بوده و برخی نیز مهاجر بوده و در شهرهای بزرگ ساکنند. این مورد اخیر بیش‌تر می‌تواند برای نخبگان تکنوکراتیک و مالکیت مصداق داشته باشد؛ چرا که نخبگان تکنوکراتیک روستایی اصولاً با کسب دانش و مدارج علمی بالا، اکثراً در بیرون از روستا ساکن می‌شوند. نخبگان مالکیت نیز یا در شهرهای بزرگ به ثروت و مالکیت دست یافته‌اند یا بعد از کسب ثروت و مالکیت مهاجرت کرده‌اند؛ اما این‌ها اکثراً کارآفرینان و افراد خلاق در کسب و کارها هستند که در شهرهای بزرگ فعالیت دارند.

در هر صورت این نخبگان به‌واسطه‌ی داشتن ارتباط با محل زندگی آبا و اجدادی خود و نیز انجام اقدامات توسعه‌ای در روستای زادگاهی خود، نقش خود را در توسعه‌ی روستا ایفاء می‌کنند. در هر صورت نخبگان مهاجر روستایی، در دو بعد، نقش توسعه‌ای خود را انجام می‌دهند. در یک بعد، نقش مهم آن‌ها در مقاصد مهاجرتی یا شهرهای بزرگ است که باعث شکل‌گیری حوزه‌ی فعالیت مهاجرین، مسیردهی به فعالیت‌های آن‌ها، کمک به پیداکردن کسب و کار، حمایت از مهاجرین و تشکل‌دهی آن‌ها است؛ در بعد دیگر آن‌ها این توانایی را دارند که بخشی از درآمد و سرمایه‌ی خود را در بخش‌های توسعه‌ای یا حمایتی روستای خود هزینه یا سرمایه‌گذاری کنند؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌چنین می‌توانند با بسیج‌کردن هم‌شهری‌ها، پول‌ها و سرمایه‌های انفرادی آن‌ها را متمرکز کرده و در مسیر توسعه‌ی زادگاه جهت‌دهی کرده و استفاده کنند. یعنی این‌ها رهبران اجتماع محلی هستند که می‌توانند با نفوذ خود، بر افکار، اندیشه، عملکردها و تصمیم‌گیری‌های هم‌شهری‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را در مسیر توسعه‌ی زادگاه پیش ببرند. افراد دیگر نیز با الگوگرفتن از آن‌ها و تبعیت از تصمیم‌گیری آن‌ها در مسیر توسعه‌ی زادگاه قدم بردارند. این‌ها نیز در هر صورت یا به منظور کسب شهرت، اعتبار یا ارضای نیازهای مالی یا اجتماعی خود قدم در این راه می‌گذارند.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش کیفی و رویکرد نظریه‌ی بنیانی بهره جسته شده است. با این روش با رجوع به مردم و تجربه‌ی زیسته آن‌ها، عوامل و دلایل شکل‌گیری نخبگان و کارآفرینان مهاجر و محلی در مهاجران روستایی شبستر مطالعه و اثرات آن‌ها بر توسعه‌ی روستایی بررسی شده است.

ما در این مطالعه برای گردآوری اطلاعات و جمع‌آوری داده‌ها و هم‌چنین شناخت منطقه‌ی مورد مطالعه از تکنیک‌های روش تحقیق کیفی چون؛ مصاحبه، مصاحبه‌ی گروهی، مشاهده، بررسی اسناد و مدارک و هم‌چنین تاریخ شفاهی استفاده کرده‌ایم. در روش‌های کیفی و در جامعه‌ی روستایی در غالب اوقات نمونه‌گیری به روش آسان شروع می‌شود و به صورت گلوله‌ی برفی ادامه می‌یابد و اکثراً به صورت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف در می‌آید(ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸٦:۳٤).

در این مطالعه بعد از حدود ۲٤ مورد مصاحبه‌ی عمیق و ۳ مورد بحث گروهی با حدود ٤۱ مشارکت‌کننده که شامل مطلعین محلی، نخبگان و افراد جامعه مورد مطالعه بودند، تقریباً به اشباع تئوریک مورد نظر دست پیدا کردیم. هم‌چنین ما در این تحقیق سعی کردیم که از قشرهای روستایی، مهاجران روستایی، افراد ساکن در تهران، جوانان، میان‌سالان، ریش‌سفیدان روستایی، افراد با تحصیلات بالا، مطلعین محلی و کسانی که در حوزه‌های مورد نظر ما اطلاعاتی دارند، استفاده کرده تا موضوع در کلیت و ابعاد مختلف آن به طور دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد.

در این تحقیق عمده‌ی اطلاعات از دو روستای **بنیس** و **دریان** جمع‌آوری شده است که جمعیت قابل توجه مهاجری در تهران دارند و دارای انجمن زادگاهی بوده و در سالیان اخیر نقش مهمی در توسعه‌ی روستاهای مورد ذکر داشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

با توجه به روش تحلیل مورد استفاده، یعنی نظریه‌ی زمینه‌ای، کار مراجعه به میدان، انجام مصاحبه‌ها و تحلیل هم‌زمان آن‌ها تا آخرین مراحل تحقیق و حتی در حین نوشتن این گزارش به طور مداوم و مستمر ادامه داشت. پس از پیاده‌کردن همه‌ی مصاحبه‌ها و تهیه‌ی لیستی از داده‌های خام، سه عنصر اصلی نظریه‌ی بنیانی یعنی مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا استخراج گردید. مفاهیم و مقولات به‌وسیله‌ی کدگذاری باز و قضایا نیز به‌وسیله‌ی کدگذاری محوری مشخص می‌شوند. ارائه ی نظریه نیز با کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد.

انتزاع در ساخت نظریه‌ی بنیانی از داده‌ها به صورت زیر است:

مصاحبه‌ها ← تکه داده‌ها مفاهیم ← مقولات فرعی ← مقولات اصلی

در جدول شماره‌ی یک به فرآیند ساخت مفاهیم و مقولات فرعی و اصلی از داده‌های خام اشاره شده است.

جدول شماره‌ی یک- نمونه‌ای از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آن‌ها در حوزه‌ی وجود نخبگان و کارآفرینان مهاجر و محلی

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه روستاییان	مفهوم استخراج شده	مقولات جزء
۱	در این روستا و در روستاهای اطراف بزرگان و خیلی بزرگان مدرسه می‌سازند، حمام می‌سازند، چاه عمیق می‌زنند؛ این‌جا سرمایه‌داران این چنین عمل می‌کنند؛ یعنی کارهای بزرگ را انجام می‌دهند چه در این‌جا، چه در روستاهای اطراف باشد.	اقدامات توسعه‌ای بزرگان	اقدامات توسعه‌ای نخبگان
۲	از سمت مرند گرفته تا به این سمت، افرادی هستند که مساجد را احداث می‌کنند، مدارس را درست می‌کنند، حتی آقای بیاضیان از زنجان تا منطقه‌ی خودمان شهرت دارد، وی در تمام ارونق و انزاب یا مدرسه، یا دانشگاه ، یا حمام و یا مسجد دارد.	اقدامات توسعه‌ای بزرگان	
۳	آن پیش‌روهایی که در جلو (پیش‌تر) حرکت کرده‌اند خط مشی‌شان این بوده است که سعی کنیم بنیس را روستایی بکنیم که متفاوت با روستاهای هم‌جوار باشد.	پیش‌روان/ روستای متفاوت / پیشرفت خواهی	پیش‌روان روستایی
٤	پیش‌روان ما سعی کرده‌اند که خواسته‌های خود را به عناوین مختلف، چه با کمک مادی یا معنوی و یا از طریق خود مردم حل کنند.	توسعه از طریق پیش‌روان	توسعه‌ی درون‌زا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه روستاییان	مفهوم استخراج شده	مقولات جزء
۵	کسانی که چه در تهران و چه در این‌جا وضع مالی‌شان نسبتاً خوب است و خیر هستند، یکی از عوامل پیشرفت روستا می‌باشند.	خیرین متمکن روستا	
٦	در تهران خیرین‌مان دور هم جمع می‌شوند و می‌گویند ما مثلاً ۱۵ نفر ۲۰ نفر هستیم و می‌خواهیم فلان کار را بکنیم، یکی می‌گوید که من ۲۰ میلیون کمک می‌کنم یکی دیگر ۳۰ میلیون و دیگری ۵۰ میلیون کمک می‌کند. این‌ها خیرین ما هستند و بقیه مردم هم در حد توان‌شان کمک می‌کنند.	اجماع خیرین / مشارکت در کارهای عام‌المنفعه	نخبگان مهاجر
۷	آن پیش‌روهایی که داشتیم و خدا روحشان را شاد کند، آن‌ها آدم‌های روشن‌فکری بودند، آن‌ها آینده را پیش‌بینی کرده‌اند و آمده‌اند در این مسیر از نظر فکری و مالی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.	روشن‌فکری پیش‌روان/ سرمایه‌گذاری پیش‌روان/ آینده‌نگری پیش‌روان	
۸	این روستا به‌وسیله‌ی خیرین ما و توسط شورا و دهیاری آباد شده است.	نخبگان مهاجر و محلی	نخبگان مهاجر و محلی

یافته‌های پژوهش

بخشی از اقدامات توسعه‌ای در روستاهای مورد مطالعه، توسط افرادی که در خارج از روستا زندگی می‌کنند، انجام شده است. این‌ها در واقع افرادی از روستا هستند که از گذشته از آن‌جا مهاجرت کردند؛ اما ارتباط خود را با روستا نگسسته‌اند. به دلیل فعالیت‌ها و اقداماتی که این افراد در روستا انجام داده‌اند یا می‌دهند، مردم محلی تعبیرهای "بزرگان"، "پیش‌روان"، "خیرین"، "پیش‌کسوتان" و مواردی از این دست در موردشان به کار می‌برند. ما در این جا تعبیر نخبگان روستایی را در مورد آن‌ها استفاده می‌کنیم و می‌دانیم که این تعبیر شامل همه‌ی مهاجرکرده‌های روستا نیست.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

با توجه به این‌که اغلب این نخبگان، در خارج از روستا و در شهرهای بزرگ و خصوصاً در تهران و در گذشته‌های دور در "روسیه و ترکیه" ساکن بودند می‌توانیم از آن‌ها به عنوان "نخبگان مهاجر" یاد کنیم.

این نخبگان اکثراً در کارهای خود دارای موفقیت‌هایی بوده و به علت تمکن مالی و ایجاد کسب و کارهای خوب و گاهی بزرگ، به بزرگان روستایی تبدیل شده‌اند. به‌طوری که برخی از این نخبگان اقدام به ایجاد کارخانه و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در روستاهای منطقه کرده‌اند[1].

«سابقه‌ی تاریخی مهاجرت روستاهای مورد مطالعه(و در کل شبستری‌ها) برای کسب وکار و تجارت، ابتدا به روسیه و ترکیه و بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و هم‌زمان با نفوذ و قدرت اقتصاد نفتی در ایران و شکل‌گیری تهران به عنوان یک کلان‌شهر، از دهه‌های ۱۳۲۰ به بعد به سمت تهران متمایل می‌شود شد»(سلیمی فرد،۱۳۸۲: ۱۳-۱۰؛ نبیی و نبیی،۱۳۸۲:۱۰۰).

در این جا باید اشاره شود که مهاجرپیشگی از قدیم‌الایام در این منطقه وجود داشته است. *"دریانی‌ها مردمانی مهاجرپیشه بوده‌اند. اکثر پدربزرگ‌های ما غریب کِش و مهاجر بوده‌اند و همواره زندگی در غربت را تجربه می‌کردند"* استالکر[2] (۱۳۸۰). از اجتماعاتی که مهاجران زیادی به خارج می‌فرستند، تحت عنوان اشاعه‌دهنده‌ی «فرهنگ مهاجرت» یاد می‌کند که با مفهوم مهاجرپیشگی ما هم‌خوان است. یعنی جامعه‌ای که برون‌کوچی با نظام فرهنگی آن عجین شده است. اجتماعات مکزیکی چنین برداشتی از مهاجرت دارند. نسل‌هایی از مهاجران که به ایالات متحده رفته و برگشته‌اند، اینک دارای یک فرهنگ قوی مهاجرت هستند؛ یعنی مهاجرت جانشین فعالیت اقتصادی شده است و تخصص حرفه‌ای دوران زندگی افراد رفتن به ایالات متحده است(استالکر، ۱۹۳:۱۳۸۰).

در هر صورت این مهاجران پیشاهنگ و اولیه، انتقال‌دهنده و مشوق افکار مدرن در منطقه بودند و مردم را با عناصر مدرن آشنا می‌کردند.

زمانی بود که نه‌تنها از بنیس بلکه از کل منطقه‌ی شبستر به باکو و قفقاز رفت و آمد وجود داشت. این رفت و آمدها یا برای خرید و فروش و تجارت و یا برای کار بوده است. در هر

[1] برای نمونه می‌توان به تأسیس کارخانجات مختلف در روستاهای دریان و بنیس چون دریان دشت و ارس پر بنیس (تولیدکننده‌ی کیک و بیسکویت) اشاره کرد.

[2] Stalker

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

صورت این رفت و آمدها باعث تغییر نگرش‌ها می‌شد و مهاجران خواستار آن بودند که سطح زندگی آن جا را به این جا بیاورند و باعث عمومیت و تعمیم آن بشوند... به تهران و شهرهای مختلف می‌روند و در آن جا کار می‌کنند و سرمایه‌ی خود را می‌آورند و در این جا خرج می‌کنند و پول‌هایشان را این جا سرمایه‌گذاری می‌کنند.(مرد، ٦٨ ساله)

"مهدی ابراهیمی دریانی" که از مهاجران بازگشته از روسیه و ساکن تهران بود و از کارآفرینان بزرگ[1] روستای دریان بوده است، خدمات زیادی را برای کل منطقه انجام می‌دهد. وی در نقش پیشرو دریانی‌ها در تهران بوده است و در شکل‌دهی حوزه‌ی فعالیت دریانی‌ها و شبکه‌سازی آن‌ها و هم‌چنین در توسعه‌ی شهرستان شبستر نقش مهمی داشته است.

«وی بانی صدها امر عام‌المنفعه در سراسر کشور مثل کمک به زلزله‌زدگان بوئین زهرا، سیل‌زدگان اصفهان در سال ١٣٣٦ شمسی، نوسازی بازار میانه در سال ١٣٣٤ و ایجاد مدرسه، حمام، درمانگاه و مخابرات، برق‌رسانی و لوله‌کشی آب در شهرستان شبستر و کاغذکنان میانه و در سایر نقاط کشور بوده است»(سلیمی فرد،١٣٨٢:٤٣٩). او ٢٦ باب مدرسه در منطقه احداث کرد. نویسنده‌ی کتاب «مونوگرافی علیشاه[2]»، تأسیس و بنای اولین مدرسه‌ی این روستا را در سال ١٣٣١ توسط مهدی ابراهیمی دریانی عنوان می‌کند(ملکی علیشاه، ١٣٨٧:١٢٧).

هم‌چنین "مصیب درخشانی بنیس" نیز از مهاجران ساکن روسیه بود که به تهران نقل مکان کرد. وی از پیش‌روان خیرخواه در منطقه بوده و در کنار آن کارآفرین[3] هم بوده است. وی در روستای زادگاه خویش، بنیس، دبستان، دبیرستان، خواب‌گاه، کتاب‌خانه و... تأسیس کرده است(سلیمی فرد،١٣٨٢:٤٣٩) و بدین صورت آقای «بیاضیان بنیس» نیز که از کارآفرینان بزرگ منطقه بوده و بیش از ٣٠ باب مدرسه در روستاهای منطقه احداث کرده است. سلیمی فرد(١٣٨٢) در خصوص مکان‌های عمومی روستای "دیزج خلیل[4]" عنوان می‌کند که "رضا خورشیدی" با هزینه‌ی شخصی خود در روستای دیزج خلیل دبستان، دبیرستان و درمانگاه احداث کرده

[1] وی یکی از پیش‌گامان آپارتمان‌سازی و بسته‌بندی چای و... در ایران بوده است و در بنیان محله‌های شهرآرا، پاتریس و ... سهم داشته است.

٢ علیشاه از روستاهای شهرستان شبستر است.

٣ وی اولین فردی بود که حلواشکری را به ایران آورد. با نام حلوا شکری شاهین

٤ دیزج خلیل از روستاهای شهرستان شبستر است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

است(سلیمی فرد،۱۳۸۲:٤٤٠). مجازی(۱۳۸۸) در کتاب "مونوگرافی شانجان[۱]" می‌نویسد: «اکثر کارهای عمرانی روستای شانجان به همت مردم و اهالی و هم‌چنین "خیرین" و "نهاد خیریه‌ی تهران" انجام گرفته است. برای مثال لوله‌کشی آب در سال ۱۳٤٥ با کمک‌های مردمی و پیش-آهنگی "علی مروتی" انجام شده است. گازرسانی نیز به همت "مؤسسه‌ی هم‌یاری و عمران شانجان تهران" در سال ۱۳۸۰ و ۸۱ اجرا شده است(مجازی، ۱۳۸۸:٤٠-۲٥).

لذا با این پشتوانه، مردم چه در بعد تاریخی توسعه و چه در توسعه‌ی کنونی روستاهای مورد مطالعه، نقشی مهمی را برای "نخبگان" شهرستان قائل هستند.

بسیاری از اقدامات توسعه‌ای و عمرانی، رفاهی و بهداشتی و محیطی را که به صورت تاریخی در ذهن مردم مانده است، برگرفته و محصول اقدامات "نخبگان" می‌دانند.

در توسعه‌ی حال حاضر روستاها هم، تعریف نقش نخبگان و کارآفرینان در توسعه از دید مردم و مدیران محلی بارز است. مردم و مدیران محلی همواره نقش نخبگان مهاجر را در توسعه تعریف و آن‌ها را به معادله‌ی فرآیند توسعه وارد می‌کنند. برای نمونه مردم چنین عنوان کرده‌اند:

«خیرین بنیس از این روستا حمایت‌های زیادی کرده‌اند.»، «در حال حاضر آقای رسولوی[۲] هر هفته یک‌بار به روستا می‌آیند؛ یعنی به همه کارهای ما در این روستا رسیدگی می‌کنند. ایشان از بزرگ‌ترین خیرین ما در این روستا هستند». «آقای درخشانی در حوزه‌ی مدارس، آقای بیاضیان از لحاظ دانشگاه و... به این روستا خدمت کرده‌اند. در حوزه‌ی بهداشتی و فرهنگی نیز آقای حاج عسگر بیاضیان که خانه‌ی بهداشت و آقای یوسف جاویدان نیز درمان‌گاه روستا را احداث کرده‌اند».

مردم و مدیران محلی روستاهای مورد مطالعه، اولاً در تعریف طرح‌های توسعه‌ای و برنامه‌های توسعه‌محور خود از نظرات نخبگان اطلاع حاصل می‌کنند و از آن‌ها مشورت می‌گیرند و همین مشورت و نظرخواهی از آن‌ها، خود به خود آن‌ها را وارد چنین طرح‌هایی می‌کند. دوماً در بسیاری از چنین اقداماتی، به طور مشخص از نخبگان کمک گرفته می‌شود.

"به نیکی یاد کردن نخبگان"، "خوش‌نامی نخبگان" و "الگوگیری از نخبگان" از مهم‌ترین مواردی هستند که به "بازتولید نخبگان مهاجر و محلی" منجر می‌شوند. البته "اثبات عضویت در

۱ شانجان از روستاهای شهرستان شبستر است.

۲ آقای رسولوی از مالکین کارخانه‌های درنا، ناربن و رئیس شورای اسلامی روستای بنیس است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

زادگاه" و "کسب جایگاه در اجتماع" برای کسانی که می‌خواهند وارد چرخه‌ی نخبگی شوند بسیار بااهمیت است.

بنابراین چه در بعد تاریخی و چه در توسعه‌ی کنونی، ورود سرمایه، نوآوری، فکر، ایده و مواردی این‌چنین از طرف نخبگان و کارآفرینان مهاجر به درون روستاها و منطقه، تغییرات مثبتی را در زندگی مردم به‌وجود آورده است.

شرایط علی

مجموعه‌ای از عوامل مختلفِ تاریخی، قومی، جغرافیایی و فرهنگی باعث "ظهور نخبگان مهاجر" در میان روستاهای مورد مطالعه شده است. از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به «اقدامات نخبگان/ پیش‌روان اولیه» اشاره کرد. اقداماتی که به‌وسیله‌ی این افراد صورت گرفته است و در بخش قبلی به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد، به عنوان الگویی برای سایر نخبگان منطقه بوده است تا در توسعه‌ی روستا و منطقه‌ی خود سهمی داشته باشند؛ لذا این اقدامات نخبگان اولیه، باعث "الگوگیری" از آن‌ها در میان مردم این منطقه شده است.

ظهور "نخبگان پیش‌گام" از چند جهت قابل بررسی است. یک بخش از آن به مهاجرت‌های فصلی یا دوره‌ای مردم این روستاها بر می‌گردد که برای مدتی به کشورهای همسایه برای کار مهاجرت کرده و پس از آن درآمد خود را برای خانواده ارسال می‌کردند و خود نیز بعد از مدتی بر می‌گشتند. این انتقال، شکل یک سنت را یافته بود. *"کار می‌کنند و می‌آورند و چنان‌چه پول‌هایشان را آوردند و در این جا خرج کردند و در این جا سرمایه‌گذاری کردند". "من بادکوبه‌ای هستم، آن جا کار می‌کردم و پولش را این جا می‌فرستادم"*. بنابراین این سنت باعث شده بود که مهاجران همواره پولی به منطقه ارسال کنند. در این میان برخی از آن‌ها به واسطه‌ی تجارت، کسب و کار و یا هر چیز دیگر، تمکن مالی یافته و به دلیل انتقال سنتی سرمایه که به زادگاه داشتند، بخشی از آن را برای کارهای عام‌المنفعه و توسعه‌ای روستای خود هزینه کرده‌اند. لذا این شرایط به همراه تغییرات نگرشی ایجاد شده در آن‌ها و حس انسان دوستی و تعلق به زادگاه، باعث رغبت آنها به سرمایه‌گذاری در زادگاه شده تا هم توسعه‌ی روستای خود و هم پیشرفت مردمان خود را در نظر بگیرند و البته به دلایل کارآفرینی و نخبگی و تمکن مالی این توانایی را داشتند که پایه‌گذار اقداماتی مهم در محل زندگی اصلی خود باشند.

برای مثال چنین عنوان شده است که:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

"برای پیشرفت روستای بنیس، خدا به آقای درخشانی رحمت کند که در ابتدا مدارس ما توسط ایشان احداث شده است. وی به ما این درس را داده‌اند. من می‌توانم بگویم که زندگانی من به خاطر و به نیروی آن‌هاست". "اکثر کسانی که از این منطقه رفته‌اند و به جایی رسیده‌اند وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنیم عنوان می‌کنند که در درخشانی بنیس تحصیل کرده‌اند. سدی که در ابتدا آقای درخشانی احداث کرده‌اند باعث شده است که جلوی سیل به روستا گرفته شود. بنابراین اولین قدم‌هایی که برای آبادانی بنیس برداشته شده‌اند قدم‌های خوبی بوده است". "پس ایشان کاری را انجام داده‌اند که تا همیشه ماندگار است و خواهد ماند و این کار ایشان هنوز هم ادامه دارد و ادامه خواهد داشت".

این مصادیق نشان می‌دهند که پیش‌روان اولیه اقدامات خوب و قدم‌های درستی را برای روستاهای خود برداشته و بدین طریق کارهای آن‌ها بر دیگر نخبگان هم تأثیر گذاشته است تا این مسیر را دنبال کنند. "*پیش‌روبودن وی (منظور درخشانی)، بر بقیه هم تأثیر گذاشته است؛ یعنی بر خیرین دیگر هم مؤثر بوده است*".

این اقدامات و فعالیت‌های توسعه‌ای در روستاهای مورد مطالعه، یک مسیر تاریخی را از توسعه ایجاد کرده است که برآیند آن سهیم‌شدن نخبگان مهاجر و مردم محلی در توسعه‌ی روستا است. در کنار این عوامل، داشتن "دیدگاه مثبت به روستا" و منطقه و ویژگی "تعلق به زادگاه/ محلی‌گرایی" از عوامل مهم پیدایش این پدیده در میان روستاییان این منطقه بوده است.

زمانی که دیدگاه مثبت به روستا وجود داشته باشد، پدیده‌ی نخبگان هم ظهور پیدا می‌کنند تا در جهت پیشرفت و آینده‌ی روستا و مردم آن گامی برداشته باشند. دیدگاه مثبت به روستا باعث می‌شود که نخبگان و کارآفرینان در جامعه‌ی روستایی خود سرمایه‌گذاری کنند؛ این سرمایه‌گذاری می‌تواند به منظور دریافت سود یا ارضای نیازهای دیگر آنان چون نیاز به احترام و غیره باشد. نخبگان همواره وجود دارند؛ ولی مسیردادن به آن‌ها برای توسعه‌ی روستا مهم است که با چنین روحیاتی آن‌ها شایسته‌ی نام نخبگان توسعه‌ی منطقه می‌شوند.

"همه به دنبال این هستند که روستای بنیس پیشرفت کند. وقتی کسی از بیرون به این روستا می‌آید به این روستا افتخار کنند و سرشان بالا باشد".

"این امکانات را آورده‌اند تا روستای‌شان توسعه یافته باشد تا نگویند که این روستا عقب مانده است. این روستا را هم‌ولایتی‌های ما توسعه داده‌اند، شاید فردا بیایند و در روستای دیگر هم ببینند که از لحاظ مدرسه ضعف دارد آن‌قدر پول دارند که به وضع آنجا هم رسیدگی کنند".

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در نهایت این‌که، روحیه‌ی "مهاجرپیشگی" روستاییان مورد مطالعه و داشتن شبکه‌های مهاجرتی پایدار، هم‌زمان و در تعامل با سایر عوامل، نقشی مهم در شکل‌گیری و پیدایش پدیده‌ی "ظهور نخبگان مهاجر" داشته است؛ یعنی نخبگان، مهاجران متمکن و صاحب سرمایه هستند که این توان را دارند که طرح‌های بزرگی را در روستا انجام دهند.

زمینه‌ای که راهبردها و پیامدهای کنش در آن گسترش یافته‌اند

پدیده‌ی "ظهور نخبگان مهاجر و محلی" به "میزان" و "شدت" متفاوت میان روستاییان منطقه‌ی شبستر وجود دارد. پدیده‌ی ظهور نخبگان یا توسعه‌ی نخبه‌محور به‌خصوص در روستاهای با حجم زیاد مهاجران و تجربه‌ی تاریخی مهاجرت و هم‌چنین در روستاهای دارای شوراهای محلی فعال[1] از میزان و شدت زیادی برخوردار بوده و در روستاهای دیگر نیز با اوج‌گیری مهاجرت کم کم در حال وقوع است. اما باید گفت که زمان‌مندی و شمولیت آن در میان روستاهای مختلف باید فرق داشته باشد.

شرایط مداخله‌گر کنش

در کنار عواملی که بر پدیده‌ی ظهور نخبگان مهاجر تأثیر گذاشته‌اند، می‌توان از مجموعه‌ای از عوامل مداخله‌گر کنش برای شکل‌دادن به پدیده‌ی مورد نظر مانند "وضعیت مالی/ اقتصادی مهاجران" و "نحوه‌ی نگرش به روستا و منطقه" اشاره کرد.

وضعیت مالی مهاجران و در کل بزرگان به عنوان عاملی مداخله‌گر عمل کرده و شکل‌گیری چنین پدیده‌ای را با شدت یا ضعف مواجه می‌کند. اگر وضعیت اقتصادی مهاجران بهتر باشد و درآمد قابل توجه و زیادی داشته باشند، مطمئناً بیش‌تر راغب خواهند بود که مقداری از آن را برای پیشرفت زادگاه خود و یا حتی به منظور کسب سود در آینده هزینه و یا سرمایه‌گذاری نمایند. به‌طوری‌که عنوان شده است:

"مهاجران ساکن تهران درآمدشان خوب است ... به همین دلیل، به این می‌اندیشند که این جا چون روستای خودشان و وطن آبا و اجدادی‌شان است، بهتر است که جوانان‌مان و مردم‌مان هم راحت زندگی کنند؛ به خاطر این می‌آیند و در روستا هزینه می‌کنند".

[1] در برخی از روستاها، شوارهای محلی فعال به دنبال مهاجران نخبه بوده و از آن‌ها در توسعه‌ی روستا بهره می‌برند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌چنین نحوه‌ی نگرش به روستا و منطقه نیز در شکل‌گیری این پدیده تأثیر می‌گذارد. اگر نگرش مثبتی نسبت به روستا و آینده‌ی منطقه وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذاری در زادگاه امری غیرمعقول جلوه می‌کند. اغلب کسانی که در زادگاه سرمایه‌گذاری می‌کنند و جای‌گاهی نیز برای خود دارند، حتی اگر خیرخواهانه هم بوده باشد، چشم‌اندازی را برای آینده‌ی روستا و منطقه متصور می‌شوند؛ حتی در حد یک مکان یا جاپا برای اقامت‌های غیرثابت خود(سکونت‌خانه دومی).

راهبردهای کنش

"راهبرد" مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به‌کار گرفته می‌شود. افراد جامعه‌ی مورد مطالعه در ارتباط با پدیده‌ی مورد بررسی یعنی "ظهور نخبگان مهاجر" راهبردهای مختلف و متعددی را در پیش گرفته‌اند. "سهیم‌شدن در فعالیت‌های توسعه‌ای" یکی از راهبردهای مردم در برخورد با پدیده‌ی توسعه‌ی نخبه‌محور بوده است؛ یعنی وقتی قرار است فعالیت یا اقدامی در روستا انجام گیرد، مردم هم به اندازه‌ی وسع و توان خود در فعالیت‌های توسعه‌ای سهیم می‌شوند تا نخبگان نیز دل‌گرم شوند.

"وقتی می‌گویند که چنین اقدام توسعه‌ای یا عمرانی را می‌خواهیم انجام دهیم یا فلان کار را بکنیم، مردم سعی دارند که دست به دست هم داده و ببینند که شورا چه می‌گوید، صحبت‌های آن ها چیست و به حرف‌های آن‌ها گوش می‌دهند، شورا نیز تا الان تا جایی که مقدور بوده هم مالاً و جاناً خرج کرده است و این‌ها هم به‌خاطر این است که روستای ما نام‌آور شود".

در این راهبرد افراد جامعه با سهیم‌شدن در کارهای عمرانی و توسعه‌ای و نیز اقدامات حمایتی، به عنوان نیروهای حمایت‌کننده و دل‌گرم‌کننده توسعه‌ی نخبه‌محور عمل می‌کنند. هم‌چنین در کنار این راهبرد، "مشارکت مردمی" از راهبردهای دیگر مردم در برخورد با این پدیده بوده است.

توسعه‌ی نخبه‌محور نیازمند نخبگان و بزرگانی است که این پدیده را شکل دهند، عمومیت بخشند، به پیش ببرند و تداوم ببخشند، به‌طوری‌که این‌چنین خود را در قالب یک پدیده آشکار سازد. بنابراین استراتژی‌هایی هم در میان مردم برای برخورد با این پدیده و دوام آن وجود دارد که می‌توان استراتژی‌های ایجابی نامید. یکی از مهم‌ترین این راهبردها، "شکل‌دهی نهادهای توسعه‌ای و حمایتی" بوده است که محل جمع‌شدگی نخبگان و دادن مسیر به آن‌ها باشد. منظور از نهادهای توسعه‌ای و حمایتی نیز، انجمن‌ها و تشکل‌هایی هستند که مهاجرین در شهرهای مقصد به منظور

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جمع‌شدگی و پایدارسازی روابط خود ایجاد می‌کنند. این انجمن‌ها و نهادها در ادبیات مهاجرت با نام انجمن‌های زادگاهی[1] شناخته می‌شوند.

هم‌چنین مردم با راهبردهای "تبعیت از نخبگان" و "نیک‌نامی بزرگان" و مواردی از این دست توانسته‌اند راهبرد ایجابی را هم در برخورد با این پدیده به پیش ببرند. وقتی نخبگان، تبعیت مردم را از خود مشاهده می‌کنند و احساس می‌کنند که مردم قدر اقدامات آن‌ها را می‌دانند و آن‌ها را همراهی می‌کنند بیش‌تر به طرح خود به عنوان نخبگان مهاجر و محلی راغب می‌شوند؛ و البته با وجود نیک‌نامی و احترامی که به نخبگان و بزرگان روستا در سطح مردم روستا می‌شود، این ویژگی در جهت تقویت پدیده‌ی ظهور نخبگان عمل می‌کند تا افراد، نامی نیکو و بزرگ از خود به جای بگذارند.

"در میدان روستا فرهنگ‌سرای روستا قرار دارد که قبلاً محل دو حمام عمومی بوده است و یک مکان عمومی است. یک روز اینجا بحث و گفت‌وگویی شد و اعلام شد که می‌خواهیم این جا تبدیل به فرهنگ‌سرا شود و یک نفر هم تقبل کرد که هزینه‌های آن را پرداخت نماید. مردم هم دیدند که این جا یک مکان عمومی و اجتماعی است و می‌خواهد تبدیل به محل بهتری هم شود، همه با رغبت قبول کردند".

پیامدهای کنش

راهبردهایی که مردم روستاهای شهرستان شبستر در مواجهه با پدیده‌ی ظهور نخبگان مهاجر اتخاذ کرده‌اند، پیامدهایی را نیز برای روستاییان منطقه به دنبال داشته است. "مدیریت مشارکتی" شاید یکی از اولین پیامدهای این راهبردها باشد که به‌واسطه‌ی "مشارکت مردمی" و "سهیم‌شدن در فعالیت‌های توسعه‌ای و عمرانی" به منظور "تبعیت از نخبگان" و "دل‌گرمی نخبگان"، در جامعه‌ی روستایی شکل می‌گیرد. "مدیریت مشارکتی" ترکیبی از مردم، نهادهای مدیریتی روستا(شورا و ده‌یاری)، نخبگان و بزرگان و انجمن‌های زادگاهی یا نهادهای توسعه‌ای است. به دلیل این‌که در طرح‌های مختلف توسعه‌ای مشارکت دارند و به صورت فعالانه در چنین پروژه‌هایی سهیم هستند، هم‌چنین حوزه‌ی عمومی نیز وجود دارد، مردم هم مشارکت و هم فضای انتقادی دارند. برای مثال در زمان‌های مختلف و به‌صورت دوره‌ای مردم را به‌صورت ۲۰ نفر ۲۰

[1] Hometown Associations

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نفر به دفتر شورا دعوت کرده و در مورد مسایل و مشکلات روستا از آن‌ها نظر می‌گیرند. هم‌چنین عنوان شده است که:

"الان دیگر کسی را در این روستا نداریم که خانه نداشته باشد. آن‌هایی که دیدیم خانه‌ای ندارند، چیزی ندارند، توسط خیریه، شورا، آدم‌های بزرگ و همه کمکی کرده‌اند تا زندگانی آن‌ها به نسبت بهتر شده است."

"مشورت عنصر مهمی در این روستا است که شورا و هیأت امنای مسجد با هم و با همکاری شورا و ده‌یاری و با استفاده از مشورت با مردم، دست در دست هم روستا را می‌سازند".

مهم‌ترین چیزی که در روستاهای مورد مطالعه نمود دارد "چهارضلعی مشارکتی" است که توسعه در روستا را به پیش می‌برد. این چهارضلعی مشارکتی همان‌طور که گفتیم، ترکیبی از مردم، نهادهای مدیریتی روستا (شورا و ده‌یاری)، نخبگان و بزرگان و انجمن‌های زادگاهی یا نهادهای توسعه‌ای است.

پیامد این راهبردها به همراه راهبردهای اتخاذ شده‌ی دیگر، خود را در "اقدامات عمرانی و توسعه‌ای در روستا"، "پیشرفت عمرانی روستا"، "سرمایه‌گذاری در زادگاه" و "بهبود شرایط زندگی روستا" نشان می‌دهند که در زیر به هر چهار مقوله اشاره می‌شود.

اقدامات عمرانی و توسعه‌ای در روستا: مردم به نحو ملموسی به نقش نخبگان و خیرین خود در پایه‌گذاری و ایجاد امکانات و تسهیلات عمرانی و توسعه‌ای روستای خود اشاره می‌کنند. این فهم و برداشت از توسعه نشان می‌دهد که بخشی از عمران و توسعه‌ی روستایی مرهون تلاش‌های نخبگان مهاجری است.

"در حال حاضر ما در تهران خیریه‌ای داریم که حدود ۱۳، ۱٤ نفر هیأت امنا دارد و این‌ها تصمیم‌گیرنده هستند» ... «در این جا از خیریه هر تصمیمی گرفته شود در روستا نیز عمل می‌کنند»؛ لذا این «خیریه و اهالی بنیس هستند که توسعه‌ی این روستا را به پیش برده‌اند".

"کسانی که در خیریه‌ی ما حضور دارند، انسان‌دوست هستند و به وطن خودشان هم علاقه‌ی زیادی دارند؛ بنابراین این خیریه را به سمت فعالیت‌های توسعه‌ای در زادگاه سوق داده‌اند".

"بنیسی‌های تهران تأثیر زیادی در پیشرفت روستای بنیس دارند؛ چون در خود این روستا و از لحاظ اقتصادی، درآمدی چشم‌گیر وجود ندارد؛ بنابراین بیش‌تر جنبه‌ی درآمدی این جا از تهران تأمین می‌شود".

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پیشرفت عمرانی روستا: به‌واسطه‌ی اقدامات عمرانی و توسعه‌ای که در طول سالیان در روستا و توسط نخبگان مهاجری صورت گرفته است و در بالا نیز به آن اشاره شد، پیشرفت عمرانی در روستا اتفاق افتاده است و مردم نیز بدان اذعان دارند. این پیشرفت عمرانی خود را در امکانات و تسهیلات زیربنایی، بهداشتی و آموزشی و هم‌چنین کالبد و محیط روستایی نشان می‌دهند.

"خیرین بنیس از این روستا حمایت‌های زیادی کرده‌اند». «چندین نفر وجود دارند که وضع مالی نسبتاً خوبی هم دارند. این‌ها به روستا کمک می‌کنند و این یکی از عوامل توسعه‌ی روستای بنیس است."

سرمایه‌گذاری در زادگاه: بخش مهمی از توسعه‌ی روستا و رونق کسب و کار در آن، نیاز به سرمایه‌گذاری در روستا دارد تا بتواند شغل برای مردم و جوانان ایجاد کند؛ چراکه تنها توسعه و عمران روستا نمی‌تواند برای مردم شغل و درآمد ایجاد کند؛ بنابراین با سرمایه‌گذاری نخبگان مهاجر در کسب و کارها، مشـاغلی نیز برای مردم ایجاد شده است. برای مثال یافته‌های رستمعـلی‌زاده(۱۳۸۷) در خصوص نقش مهاجران در ایجاد کسب و کار در روستای دریان در جدول شماره‌ی ۲ آمده است.

جدول شماره‌ی دو- سرمایه‌گذاری، تأسیس کارخانجات و کارگاه‌ها و ایجاد اشتغال توسط دریانی‌های تهران در روستای دریان

واحد کارگاهی	تعداد واحدها	تعداد شاغلان	وضع فعالیت	نوع مالکیت
فرآورده‌های لبنی	۱	اشتغال‌زایی برای ٤٥ نفر	در حال بهره‌برداری	سهامی خاص(شرکت عمران دریان)
بسته‌بندی عسل	۵	۱۰	فعال	سهامی خاص
شرکت تولیدی مواد غذایی	۲	۱۸۰	فعال	سهامی خاص
بسته‌بندی مواد غذایی	۱	٦٥	فعال	سهامی خاص
روغن‌کشی گردو	۱	-	در حال احداث	سهامی خاص
شرکت پلی اتیلن	۱	۵	فعال	سهامی خاص
تعاونی تولیدی	۱	۱۰	فعال	سهامی عام
جمع	۱۲	۳۱۵	-	-

منبع: (رستمعلی زاده ۱۳۸۷:۱۷۰)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌چنان که جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد، نخبگان مهاجر با سرمایه‌گذاری خود در کسب و کارهای تولیدی و صنعتی، نه‌تنها باعث اشتغال‌زایی می‌شوند، هم‌چنین می‌توانند به تنوع شغلی در روستاها کمک نمایند.

بهبود شرایط زندگی روستا: این موارد یعنی توسعه و عمران روستا به همراه سرمایه‌گذاری در آن باعث رونق و سرزندگی روستا شده و بالطبع می‌تواند جوانان را در روستا ماندگار کند. همه‌ی این‌ها در کنار هم می‌توانند به بهبود شرایط زندگی کمک نمایند.

"الان روستای ما از لحاظ امکانات از همه چیز برخوردار است، همه چیز داریم. بیمارستان داریم، مدارس داریم، از ابتدایی گرفته تا دبیرستان و دانشگاه هم داریم ..."

در نهایت پیامدهای تبعیت و نیک‌نامی نیز خود را در "دل‌سوزی برای منطقه" و "سرمایه‌گذاری در زادگاه" به شکل بسیار گسترده‌ای نشان می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهاجران روستایی و نخبگان مهاجر امروزه می‌توانند نقش سرمایه‌گذاران و کارآفرینان روستایی را اعمال کرده و با گسترش کسب و کارها در روستا و توسعه در روستاهای مبدأ خود، باعث توسعه‌ی روستاها شده و از مهاجرت گسترده‌ی جوانان به شهرها و تخلیه‌ی روستاها جلوگیری کنند. در بعد دیگر، این نخبگان می‌توانند با تشکیل شبکه‌های کسب و کار و حمایتی، از مهاجرین جدید حمایت نموده و اطلاعات لازم کسب و کار، اشتغال، سرمایه و... را به آن‌ها منتقل کنند و از آن‌ها نخبگان جدید بسازند. کثرت نخبگان مهاجر و گسترش کسب و کار آن‌ها باعث می‌شود که فعالیت‌های این نخبگان به سمت اقتصاد محلی و زادگاه خود نیز گسترش یافته و بدین طریق باعث ایجاد شغل و کسب و کار در روستاهای مبدأ خود باشند.

این تحقیق که با هدف شناخت اثرات نخبگان مهاجر در توسعه‌ی روستایی نگارش یافته است، نشان داد که نخبگان مهاجر نقش مهمی در توسعه‌ی روستاهای مبدأ خود داشته‌اند و باعث شده‌اند که سطح زندگی مردم در روستاها ارتقا یابد. چنان‌چه تحقیقات پاول و گمیج(۲۰۰٤)، گوارینزو(۲۰۰۳) و کارزو و کرتینا(۲۰۰۵) نیز نشان داده‌اند که مهاجران و انجمن‌های آن‌ها می‌توانند در توسعه‌ی مبادی مهاجران نقش داشته باشند.

"باتمور" در نظریه‌ی عاملیت نخبگان، نقش نخبگان را در تغییرات اجتماعی کشورهای در حال توسعه بررسی کرده است(غفاری و ابراهیمی لویه،۱۳۸۹ و روشه،۱۳۸۱). باتمور با تعریفی که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

از نقش نخبگان در توسعه و صنعتی‌شدن کشورهای در حال توسعه می‌نماید و به‌خصوص با تقسیم‌بندی نخبگان، نخبگان مورد ذکر در یافته‌های این تحقیق یعنی نخبگان و کارآفرینان مهاجر نقش مهمی را در توسعه‌ی روستاهای منطقه به‌خصوص از طریق تصمیم‌سازی، الگوسازی و انجام اقدامات مثبت توسعه‌ای داشته‌اند و بنابراین با کمی اغماض می‌توان نخبگان بحث شده در این تحقیق را جزء گروه نخبه‌های خاندانی باتمور قرار داد. کارآفرینان و نخبگان این امر را از طریق شکل‌دهی نهادهای توسعه‌ای و حمایتی، شکل‌دهی شبکه‌های کسب و کار جمعی، حمایت از هم، مشارکت مردمی انجام داده و با سرمایه‌گذاری در زادگاه و اقدامات توسعه‌ای و عمرانی در روستا توسعه‌ی روستاهای مبدأ خود را به پیش برده‌اند.

هم‌چنین این تحقیق نشان داد که برای شکل‌گیری نخبگان مهاجر، وجود روحیه‌ی پیشرفت خواهی و نیاز به موفقیت، الگوگیری از پیش‌روان اولیه، تعلق به زادگاه، پیگیری کسب و کارهای قومی، دیدگاه مثبت به روستا، اقدامات پیش‌روان اولیه و مواردی از این قبیل مهم بوده است.

بنابراین می‌توان گفت، استفاده از ظرفیت، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های اجتماعات محلی و انجام و ابداع نوآوری‌هایی در این مسیر می‌تواند توسعه‌ی روستایی را در کشور به پیش براند. چنان‌چه کاکرس و ساکا(۲۰۰۶) و مسی و پارادو(۱۹۹۸) نشان داده‌اند که وجوه ارسالی مهاجران بیش از ۲۰ درصد سرمایه‌ی کسب و کارهای کوچک را در اجتماعات مکزیک فراهم کرده‌اند. در این نوع از الگوی توسعه، مردم در متن اصلی فرآیند توسعه و بهبود قرار دارند، برنامه‌ریزی‌ها، کنش‌ها، اقدامات، بودجه‌ها و... همه مردمی است. در این نوع از توسعه، اقدامی توسعه‌ای که از بالا بوده باشد و یا خواست مردمی نبوده و مردم آن را از خود ندانند و در راستای نیازهای ضروری مردم نباشد، صورت نمی‌گیرد. این نوع از توسعه کاملاً هم‌خوان با الگوهای توسعه‌ی محلی در رویکردهای توسعه‌ی پایدار، پساتوسعه و توسعه‌ی انسانی است.

انجام این تحقیق نشان داد که در مطالعات توسعه، توجه به توانمندی‌ها، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های درونی اجتماعات مهاجری به‌خصوص سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها اهمیتی اساسی دارد. اگر از سرمایه و توانمندی‌های درونی اجتماعات مهاجری استفاده‌ی درستی صورت بگیرد، اجتماعات مهاجری قادر هستند با راهکارهای نوآورانه‌ی خود چون ایجاد شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌های زادگاهی و وجوه ارسالی با جریان و انتقال منابع و سرمایه‌ها در زنجیره‌ی گسترده‌ی زمانی و مکانی، نقش مهمی در ساخت اجتماعات و روستای خوب برای زندگی خود داشته باشند.

منابع

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱. ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۸٦) **روش‌های تحقیق کیفی**، تهران: نشر بشری.

۲. ازکیا، مصطفی، فیروزآبادی، سید احمد و رستمعلی زاده، ولی‌اله (۱۳۸۷) «نقش انجمن‌های زادگاهی در توسعه‌ی روستایی؛ مطالعه‌ی موردی دریانی‌های تهران»، **فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی روستا و توسعه**، دوره ۱۱، شماره‌ی ٤: ۱۷٤-۱٤۷.

۳. استالکر، پیتر (۱۳۸۰)، **کار در غربت «مهاجرت»**، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی.

٤. اصلانی، مجتبی (۱۳۸۵) «بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه‌ی اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی (با تأکید بر مهاجرت داخلی به تهران)»، **فصل‌نامه‌ی جمعیت**، شماره‌ی ٥٦-٥٥: ۸۲-٤٥.

۵. امینی، عباس و برومند، تهمینه (۱۳۹٤) «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جمعیت‌گریزی در مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی: پادنای سفلی، سمیرم)»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۲٦، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۵۷): ۱٥٤-۱۳۷.

٦. باتمور، تی. بی (۱۳٦۹) **نخبگان و جامعه**، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: دانشگاه تهران.

بیرو، الن (۱۳۷۵) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.

۷. توکل، محمد و عرفان منش، ایمان (۱۳۹٤) «رهیافت تلفیقی جامعه‌شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تأکید بر جامعه‌ی ایران»، **فصل‌نامه‌ی سیاست علم و فناوری**، سال ۷، شماره‌ی ۲: ۱۰۰-۸۳.

۸. جلالی، یاسر و صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰) «نخبگان قدرت در شهر تهران؛ نقش تصمیم‌گیران در مسایل اجتماعی»، **دوفصل‌نامه‌ی پژوهش سیاست نظری**، شماره‌ی ۱۰: ۱۵۷-۱۳۳.

۹. رستمعلی زاده، ولی اله (۱۳۸۷) «**شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های زادگاهی و اثرات آن بر توسعه‌ی روستایی؛ مطالعه‌ی موردی دریانی‌های تهران**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۰. رستمعلی‌زاده، ولی‌اله، قاسمی، علی و رستمی، نیر (۱۳۹۲) «عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی؛ مطالعه‌ی موردی: شهرستان اهر»، **پژوهش‌های روستایی**، دوره‌ی ٤، شماره‌ی ۳: ۵۳٤- ۵۰۵.

۱۱. روشه، گی (۱۳۸۱) **تغییرات اجتماعی**، ترجمه‌ی منصور وثوقی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.

۱۲. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) **مهاجرت**، تهران: سمت.

۱۳. سلیمی فرد، احمد (۱۳۸۲) **نگاهی به تاریخ و جغرافیای شبستر- تسوج- صوفیان**، تهران: نشر سیب سرخ.

۱٤. شایان، حمید و کهنه‌پوشی، سیدهادی (۱۳۹۲) «بررسی علل مهاجرت‌های روستا- شهری در بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان»، **مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی**، سال ۲، شماره‌ی ۱، شماره‌ی پیاپی ۳: ۱٤۱-۱۱۵.

۱۵. شهبازی، اسماعیل (۱۳۸٤) **توسعه و ترویج روستایی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱٦. غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی**، چاپ هفتم، تهران: نشر آگرا و لویه.

۱۷. مُجازی، عبدالعلی (۱۳۸۸) **شانجان (فولکلور – ادبیات) بر اساس مونوگرافی منطقه‌ی گونئی**، تهران: نشر اندیشه‌ی نو(ترکی آذربایجانی).

۱۸. ملکی علیشاه، احمد (۱۳۸۷) **علیشاه**، تهران: نشر تهران(ترکی آذربایجانی).

۱۹. نبیی، عباس و نبیی، سلمان (۱۳۸۲) تسوج در گذرگاه تاریخ (با نگاهی اجمالی به تاریخ، جغرافیا و فرهنگ منطقه شبستر (ارونق و انزاب) تبریز: نشر سهیل.

۲۰. یزدانی نسب، محمد (۱۳۹٤) «بررسی انتقادی تئوری نخبگان در علوم اجتماعی و مفهوم-پردازی مجدد آن با تأکید بر ساختار»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی ۱٦، شماره‌ی ٤: ۹۳-۱۱۳.

21. Amuedo-Dorantes, Catalina; Mazzolari, Francesca(2010)«Remittances to Latin America from migrants in the United States: Assessing the impact of amnesty programs», **Journal of Development Economics**, 91: 323–335.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

22. Faist, Thomas(2008)«Migrants as Transnational Development Agents: An Inquiry into the Newest Round of the Migration–Development Nexus, Popul», **Space Place**, 14: 21–42.

23. Garza, Rodolfo de la and Cortina, Jerónimo(2005)«Redefining National Boundaries: Changing Relations Between Diasporas and Latin American States», **Real Institute Elcanto, ARI**, 16:1-10.

24. Guarnizo, Luis Eduardo(2003)«The Economics of Transnational Living»,**The International Migration Review**, 37 (3): 666-699.

25. Gupta, Sanjeev; Pattillo, Catherine A. and Wagh, Smita (2009)«Effect of Remittances on Poverty and Financial Development in Sub-Saharan Africa», **World Development,**. 37 (1): 104–115.

26. Massey, Douglas and Parrado, Emilio(1998)«International migration and business formation in Mexico», **Social Science Quarterly**, 79 (1): 1–20.

27. Paul, Alison and Gammage, Sarah(2004)«**Hometown Associations and Development: The Case of El Salvador**», Working Paper, Women's Studies Department, George Washington University and Center for Women and Work.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]